

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific-Social

علمی - اجتماعی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۲۷ جنوری ۲۰۱۵

کلینیک ابن سینای برلین



دلم میخواست عنوان را بدون قید "برلین" بیارم، تا دست خواننده عزیز - و خصوصاً خواننده عزیز کابلی - را گرفته بپرشم به لب دریای کابل، در جوار پل هارتل و کوره گاه، در زیر قلعه هزاره ها و تا دهن دروازه "شفاخانه ابن سینا" - "شفاخانه گندنا"، که پسانها "کلینیک صدی ابن سینا" نیز بدان افزوده شد و برایش بگویم، که مرادم از این "کلینیک ابن سینا" نیست!!! ولی چون مردم آزاری هنوز در قاموس نوده نرده است، از خدا و رسولش وایه کردم و نخواستم که خلق خدا را لالان و سرگردان بسازم.



خوانندهٔ ارجمند پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"!

فکر نکنی، که تنها این تو و منیم و یا تنها ما افغانهائیم، که به نام نامی "ابن سینا" مینازیم و او را از افتخارات تاریخی خود به حساب می آریم، در حدی که "ابن سینای بلخی" میگوئیم و دهان ما واز میماند؛ "ابن سینا" نامی ست، که در همه جای - از منطقهٔ ما گرفته تا کران کران عالم پهناور - به آب زر نوشته شده است. اگر باور ندارید، بیائید، که "کلینیک ابن سینای برلین" را از نظر بگذرانیم، و بعد چوچه اش را در شهر همبورگ به همین نام و نشان:

همان قسمی که اروپائیان مشاهیر دنیا را با اسمای خاص خودساخته یاد میکنند، برای علمای بزرگ شرقزمین و علمای عالم اسلام هم نامهای مخصوص بخود را به کار میبرند. درین مقاله به نامهایی که در لسان المانی رائج میباشند، بسنده میکنم. البته همین نامها یا بعینهم و یا با اندک تفاوت املائی در زبانهای دیگر فرنگی هم استعمال میگردند. به این نامها توجه فرمائید:

Galenos , Galen	جالینوس حکیم
Hippokrates	لقمان حکیم
Ptolemäus	بطليموس(عالم جغرافيه)
Platon	افلاطون
Aristoteles	ارسطو
Avempace	ابن باجه
Alkindus (الکندی - فیلسوف مشهور عربی از قُرطبه یا کوردُبا (أندلس - هسپانیة اسلامی)	
Averroes	ابن الرُّشد - فیلسوف مشهور اُنْدَلُسی
Avenzoar	ابن زُّهر - جراح و دانشمند فزیک عرب در یک هزار سال پیش
Rhazes , Rhazis	محمد ابن زکریای رازی
Aviccena	ابن سینای بلخی
Geber (جابر ابن حیان سیستانی کاشف الکحل(به گفتهٔ استاد صلاح الدین سلجوقی در "نقد بیدل")	
Alhazen	ابن الهیثم - دانشمند عربی در هندسه

"کلینیک ابن سینای برلین" یک کلینیک شخصی ست، که در سال ۲۰۰۱ با تخصص در اسالیب پیشرفتهٔ جراحی ستون فقرات و جراحی اعصاب تأسیس گردید. کلینیک در هوم پیج خود چنین مینویسد:

«مریضانی که از همه مراجع طبی دیگر مأیوس گردیده اند، بیایند نزد ما، تا باهم راه و چاره ای را بیابیم.»

نظر بدین ادعاء آنچه را دیگران قادر به انجامش نیستند، شفاخانه ابن سینا گویا ممکن میگرداند. هدف من مگر از تقدیم این نوشته معرفی و رکلام این شفاخانه نیست، بلکه فقط میخواهم ارزش نامی ابن سینا - این أعجوبه روزگار - را در جهان و خصوصاً دنیای غرب پیش دیده بکشم؛ دنیائی که با پیشرفتهای خارق العاده و انکارناپذیر خود در همه شؤون و رشته های حیاتی، پیشگام و پیشقراول تمام عالم گردیده است.

نام مکمل این نابغه دوران "**ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا**" ست. پدر بوعلی؛ یعنی "**عبدالله**" از بلخ بود، که در زمان زمامداری سامانیان به بخارا نقل مکان کرد و همدرانجا با "**ستاره**" ازدواج کرد و فرزند نامی خود - حسین - را در "**افشنه**" از قرای بخارا به دنیا آورد. سرگذشت ابن سینا بسیار جالب است؛ و در دهاء و نکاوت او کتابها بسیار زیاد گفته اند و در ماشین گوگل انترنت هم در باره او میتوان بسیار خواند. داستانی را که "**چهار مقاله عروضی**" در قسمت ابن سینا و سلطان محمود غزنوی - امپراتور کشور ما در آن زمان - مینویسد، خیلی جالب است، ولی نقل آن را میگذارم به مقاله ای مستقل. ابن سینا، که از دست سلطان محمود غزنوی به قلمروهای دورتر از ساحة نفوذ محمود فرار کرده بود، قسمت آخر عمر خود را در خدمت حکمرانان محلی کشور تجزیه شده "**فارس**"^۱ گذشتاند، و به عمر پنجاه و هفتسالگی در همدان از جهان رفت و همدرانجا مدفون گردید. مقبره عالیشان بوعلی را فکر کنم در سال ۱۹۹۴؛ یعنی بیست و یک سال پیش زیارت کرده ام. در مقابل آرامگاه بوعلی، میدانی بزرگ و آراسته به نام "**میدان بوعلی**" قرار دارد، که در حاشیه اش مجسمه عظیم مرمرینی از بوعلی نصب گردیده و بر آن این رباعی بوعلی منقور است:

دل گرچه درین بادیه بسیار شنافت یک موی ندانست، ولی موی شگافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت آخر به کمال ذره ای راه نیافت

سالها قبل این رباعی را اندک شگافته بودم، که اینک لنک مقاله مربوطه را می اندازم:

<http://www.afgazad.com/Elmi/102308-KM-Robaa'ee-e-Boo-Ali-Seena.pdf>

بوعلی در انواع علوم عصر خود تبحر داشته، ولی شهرت وی در غرب بیشتر در طبابت است؛ و کتاب "**قانون**" وی در علم طب، که بگفته زیگرید هونکه Sigrid Hunke در کتاب مشهورش - "**خورشید خدا بر فراز باخترزمین**" Allahs Sonne über dem Abendland - بزرگترین

^۱ - کشور فارس از زمانی که در دوره خلیفه دوم (قرن هفتم عیسوی) مورد حمله مسلمانان قرار گرفته، مفتوح گردید، تا قرن پانزدهم عیسوی؛ یعنی عصر صفویان، تمامیت ارضی نداشت و نه قرن تمام را در حالت تجزیه و بحیث مناطق و قلمروهای کوچک و جدا از هم، بسر برد. قسمت شرقی این "**کشور**" - که در آن وقت حکم "**کشور**" را نداشت - بیشتر تحت تسلط امپراتوریهای خراسان قرار داشت. در زمان محمود غزنوی - تا به فوت وی - پسرش مسعود سپهسالار خراسان بود؛ یعنی همان ولایاتی که امروز هم تحت همین نام یاد میگردند.

اثر مدون طبابت در تاریخ میباشد، هفت قرن مکمل در پوهنتونهای مشهور اروپا بحیث مواد
درسی تدریس میشده است و در واقع اساس طب مدرن را تشکیل میدهد!!!